

ویژگی‌های پیامبران از منظر امیرالمومنین(ع)

برای پیام‌آوران الهی، در آموزه‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه ویژگی‌هایی بیان شده است که مجموعه این ویژگی‌ها، آنان را در انجام دادن رسالت هدایت خلق، یاری کرده است.



برای پیام‌آوران الهی، در آموزه‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه ویژگی‌هایی بیان شده است که مجموعه این ویژگی‌ها، آنان را در انجام دادن رسالت هدایت خلق، یاری کرده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر گفتاری از مصطفی دلشاد تهرانی در مورد ویژگی‌های پیامبران از منظر امیرالمومنین(ع) است که در ادامه می‌خوانید؛

در آموزه‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه برای پیام‌آوران الهی، ویژگی‌هایی بیان شده است که مجموعه این ویژگی‌ها، آنان را در انجام دادن رسالت هدایت خلق، یاری کرده است. مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت است از: زهد و پارسایی، ساده‌زیستی، تواضع و فروتنی، صبر و پایداری، مصممی و اراده‌ورزی و...

۱. زهد و پارسایی

دنایای نكوهیده مانع اصلی کمال آدمی است و وابستگی به آن و دنیادوستی، ریشه همه خطاها، خلافا و تباهی‌هاست؛ پیام‌آوران الهی که دست‌یافتگان به قلّه کمالات انسانی بوده‌اند و بار رسالت رستگاری و به کمال رساندن آدمیان را بر عهده داشته‌اند، خود انسانهای وارسته ای بوده اند و به دنیای نكوهیده زهد می‌ورزیده اند و پارسایانه زیست می‌کرده‌اند؛ به طوری که این پارسایی، بنیادی اساسی در زندگی، دعوت، ابلاغ رسالت و استواری و پایداری آنان بوده است. امیر مؤمنان علی (ع) در توصیف پیامبر اکرم (ص)، زهد و پارسایی وی را چنین شرح داده است:

وَكَذَلِكَ مَنْ عَظُمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ، وَ كَثُرَ مَوْجِعُهَا فِي قَلْبِهِ أَثَرَهَا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا وَ صَارَ عَبْدًا لَهَا. وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَآلِهِ وَآلِهِ كَافٍ لَكَ فِي الْأُسُوءَةِ، وَ دَلِيلٌ لَكَ عَلَى دَمِّ الدُّنْيَا وَعَيْنِهَا، وَ كَثْرَةِ مَخَازِيهَا وَ مَسَاوِيهَا، إِذْ قِضَتْ عَنْهُ أَطْرَافُهَا، وَ وَطِئَتْ لِعَیْرِهِ أَكْتَافُهَا، وَ فُطِمَ عَنْ رَضَاعِهَا، وَ رُؤِيَ عَنْ زَخَارِفِهَا؛

(هرکس دنیا در دیده‌اش بزرگ نماید و ارزش و اعتبار آن در دلش فراوان نماید، آن را بر خدا مقدم سازد و جز آن به چیزی نپردازد و بنده او شود [و بدو دل بازد]. برای تو بسنده است رسول خدا را - که درود خدا بر او و خاندانش باد و مقتدا گردانی، و رهنمودی بر نکوهش دنیا و نشان دادن بدیهایش، و بسیاری خوارمایگی‌های رسوا و زشتی‌هایش، زیرا همه گوشه و کنارهای دنیا به روی او بسته شد، و برای جز او گسترده شد؛ از نوشیدن شیر از پستان دنیا بریده شد، و از زیورهای آن دور داشته شد).
نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰

پس از این سخن، امام (ع) به زهد و پارسایی و ساده‌زیستی موسی (ع)، داوود (ع) و عیسی بن مریم (ع) اشارت کرده، دوباره به زهد و پارسایی پیامبر اکرم (ص) پرداخته است؛ ازجمله چنین توضیح می‌دهد:

عَرَضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا قَابِي أَنْ يَقِيلَهَا، وَ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ أَبْغَضَ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ، وَ حَقَرَ شَيْئًا فَحَقَرَهُ، وَ صَغَرَ شَيْئًا فَصَغَرَهُ... . فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا يَقْلِيهِ، وَ أَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ تَعْسِيهِ؛

(دنیا بر او عرضه شد و از پذیرفتن آن سر باززد؛ و چون دانست خدای پاک از هر کاستی چیزی را دشمن می‌دارد، آن را دشمن داشت [و ترک آن گفت]، و چیزی را که خدا خوار شمرده، آن را خوار انگاشت، و چیزی را که کوچک شمرده، آن را کوچک داشت. پس با دل خود از دنیا روی بگردانید، و یاد آن را از جان خود میرانید).
همان

همه پیام‌آوران الهی، زاهدان و پارسایانی سرآمد بوده اند و در این امر [چون دیگر امور] کامل‌ترین نمونه

برای مردمان اند. در واقع این زهد و پارسایی، تکیه گاهی اساسی در اجرای رسالت آنان بوده است.

۲. ساده زیستی

ساده‌زیستی در زندگی پیامبران الهی، جلوه خاصی دارد. سادگی و بی‌zwnj& بی‌zwnj& پیرایگی آنان در رفتار، معاشرت، نشست و برخاست و وجوه گوناگون زندگی، هرکسی را شیفته ایشان می‌zwnj& کند. آنان ساده‌zwnj& زیستی را از همه نظر پاس می‌zwnj& داشتند و از جلال و شوکت ظاهری بیزار بودند. همین ساده‌zwnj& زیستی آنان بود که دلها را لبریز از دوستی ایشان می‌zwnj& کرد. آنان دلها را پر می‌zwnj& کردند، نه با جلال و دبده‌zwnj& های ظاهری، بلکه با جلال و حشمت‌های معنوی که توأم با سادگی بود. امیر مؤمنان علی (ع) درباره ساده‌zwnj& زیستی پیام‌zwnj& آوران الهی چنین آورده است:

«وَإِنْ شِئْتَ تَتَّبِعْ مُوسَىٰ كَلِيمَ اللَّهِ zwnj& zwnj& صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ zwnj&؛ إِذْ يَقُولُ: zwnj& zwnj& رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ zwnj&». وَ اللَّهِ، مَا سَأَلَهُ إِلَّا خُبْرًا يَأْكُلُهُ لَأْتَهُ كَانِ يَأْكُلُ بَقْلَةَ الْأَرْضِ، وَ لَقَدْ كَانَتْ خَضِرَةُ الْبَقْلِ تُرَىٰ مِنْ شَفِيفِ صِقَاقِ بَطْنِهِ، لَهُزَالِهِ وَ تَشَدَّبَ لَحْمِهِ. وَ إِنْ شِئْتَ تَلْتَمِسْ يَدَاوُدَ zwnj& zwnj& صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ zwnj& zwnj&؛ صَاحِبَ الْمَزَامِيرِ، وَ قَارِيَّ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَلَقَدْ كَانَ يَعْمَلُ سَقَائِفَ الْخُوصِ بِيَدِهِ، وَ يَقُولُ لِحُلَسَائِهِ أَكْبَمُ يَكْفِينِي بَيْعَهَا. وَ يَأْكُلُ قَرَصَ الشَّعِيرِ مِنْ تَمَرِهَا. وَ إِنْ شِئْتَ قُلْتُ فِي عَيْسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ zwnj& zwnj&؛ عَلَيْهِ السَّلَامُ zwnj& zwnj&؛ فَلَقَدْ كَانَ يَتَوَسَّدُ الْحَجَرَ، وَ يَلْبَسُ الْخَشِينَ، وَ يَأْكُلُ الْجَشِيبَ، وَ كَانَ إِدَامُهُ الْجُوعَ، وَ سِرَاجُهُ بِاللَّيْلِ الْقَمَرَ، وَ ظِلَالُهُ فِي الشَّيْتَاءِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا، وَ قَاكِبُهُ وَ رَيْحَانُهُ مَا تُثْبِتُ الْأَرْضُ لِلْبَهَائِمِ. وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ تَقْتُنُهُ، وَ لَا وَلَدٌ يَحْرُنُهُ، وَ لَا مَالٌ يَلْفُئُهُ، وَ لَا طَمَعٌ يَذِلُّهُ. ذَاتَهُ رَجُلًا، وَ خَادِمُهُ يَدَاهُ zwnj&؛

(اگر خواهی دومین را موسای سخنگو با خدا - که درود خدای بر او باد - نمونه آرم که می‌zwnj& گفت: «پروردگارا! من به هرگونه خیری که برایم بفرستی نیازمندم» zwnj&. به خدا سوگند که او جز نانی برای اینکه بخورد از خدا نخواست، که او رویدنی زمین می‌zwnj& خورد، و سبزی رویدنیها، از لاغری و تکیدگی گوشت تن، از پوست تُک شکم او دیده می‌zwnj& شد. و اگر خواهی سومین را داوود - که درود خدای بر او باد - نمونه آرم؛ دارنده آوازهای خوش و خواننده بهشتیان. او به دست خود، از برگ خرما بن زنبیل می‌zwnj& بافت و به همنشینان خود می‌zwnj& گفت: کدام یک از شما در فروختن آن مرا یاری می‌zwnj& کند؟ و با بهای آن گرده نان جوینی می‌zwnj& خرید و می‌zwnj& خورد. و اگر خواهی از عیسی بن مریم - که درود خدای بر او باد - گویم که سر را بر سنگ می‌zwnj& نهاد و می‌zwnj& خوابید، جامه درشت می‌zwnj& پوشید، خوراک ناگوار می‌zwnj& خورد، نان خورش او گرسنگی بود، چراغش در شب، ماه، و سایبانش در زمستان، خاوران و باختران زمین. و میوه و خوش بوگیاه او رویدنیهای بود که زمین برای چارپایان می‌zwnj& رویند. نه همسری داشت که او را فریفته خود کند، و نه فرزندی که اندوه وی خورد، و نه دارایی که او را مشغول خود سازد، و نه چشمداشت به چیزی که او را به خواری اندازد. مرکب او دو پایش بود و خدمتگزار وی دستپایش).

نهج البلاغه ، خطبه ۱۶۰

ساده‌زیستی پیام‌zwnj& آوران الهی، ریشه در زهد و پارسایی آنان داشت و ازاین‌zwnj& رو، راستین و استوار بود. آنان در پرتو این ساده‌زیستی، آزاد و بی‌zwnj& تکلف، رسالت خود را پیش می‌zwnj& بردند. زهد حقیقی آنان که عبارت است از حذف همه موانع نفسانی از درون خویش، جلوه دهنده زهدی حقیقی در قالب ساده‌زیستی ای است که می تواند موانع خارجی را نیز از پیش پای بردارد. امیر مؤمنان علی (ع) پس از بیان زهد پیامبر اکرم (ص)، ساده‌زیستی وی بر آن مبنا را چنین توصیف کرده است:

«وَ لَقَدْ كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ zwnj& zwnj& يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ، وَ يَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ، وَ يَخْصِفُ يَدَيْهِ تَعْلَةً، وَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ تَوْبَةً، وَ يَرْكَبُ الْجِمَارَ الْعَارِي، وَ يُرْدِفُ خَلْقَةً zwnj&؛

(آن بزرگوار - که درود خدا بر او و خاندانش باد zwnj& zwnj& چنان بود که روی زمین غذا می‌zwnj& خورد و چون بندگان می‌zwnj& نشست و به دست خود پای افزار خویش را پینه می زد و جامه خود را وصله می‌zwnj& نمود و بر خر بی‌zwnj& پالان سوار می‌zwnj& شد و دیگری را بر ترک خود سوار می‌zwnj& فرمود).

همان

شکل ساده‌زیستی، بنابر مقتضیات زمان تغییر می‌zwnj& کند، ولی روح آن، که مایه آزادگی و بی‌zwnj& تکلفی است پایدار است؛ در واقع همه پیامبران هم، این‌zwnj& گونه می‌zwnj& زیسته‌zwnj& اند.

پیام‌آوران الهی به اوج بندگی خدا دست یافته بودند و با وجود همه مراتب کمالی خویش، در تعامل با انسانها در نهایت تواضع و فروتنی رفتار می‌کردند. امیر مؤمنان علی (ع) این ویژگی آنان را چنین توصیف کرده است:

«فَلَوْ رَحَّصَ اللَّهُ فِي الْكِبَرِ لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِهِ لَرَحَّصَ فِيهِ لِيَاخَصَةَ أَتْيَائِهِ وَأُولِيَّائِهِ. وَلَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ كَرَهُ إِلَيْهِمُ التَّكَاثُرَ وَرَضِيَ لَهُمُ التَّوَاضُعَ. فَأَلْصَقُوا بِالْأَرْضِ خُذُودَهُمْ، وَعَقَرُوا فِي التَّرَابِ وُجُوهَهُمْ. وَحَفَّضُوا أَجْيَحَتَهُمْ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَكَانُوا أَقْوَامًا مُسْتَضْعَفِينَ»&raq;

(اگر خداوند رخصت کبر ورزیدن را به یکی از بندگان می‌داد، بی‌گمان چنین اجازه‌ای را به پیامبران گزیده و دوستانش می‌داد؛ لکن خدای پاک از هر کاستی، تکبر ورزیدن را بر آنان ناپسند دید و فروتنی‌شان را پسندید. پس پیامبران - از روی فروتنی‌- رخساره‌هایشان را بر زمین چسبانیدند و چهره‌های خود را به خاک مالیدند و برابر مؤمنان فروتنی نمودند و خود مردمانی فروافتاده بودند). نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۲

پیام‌آوران الهی، ویژگیان درگاه خداوند و دوستان و پیروان مطلق اویند؛ پس اگر تکبر ورزیدن درخور آفریده‌ای از آفریدگان می‌بود، خداوند ایشان را بدان اجازه می‌فرمود، درحالی که ایشان فروافتاده‌ترین و متواضع‌ترین بندگان خدای اند. بندگی خدا، فروافتادگی، دوری از تکبر و فروتنی با خلق خدا ویژگی برجسته و دل نواز پیام‌آوران الهی است.

پیامبران در ابلاغ رسالت و هدایت خلق، بیشترین صبر و پایداری را داشته‌اند. آنان در برابر انکارها، سرسختیها، و آزار و اذیتها صبور و پایدار بوده‌اند؛ زیرا در غیر این صورت، کار هدایت مردمان به سامان نمی‌آمده است. امیر مؤمنان علی (ع) در توصیف این حالت آنان می فرماید:

«رُسِّلَ لَا تُقَصِّرُ يَهُمْ قِلَّةَ عَدَدِهِمْ، وَلَا كَثْرَةَ الْمُكَذِّبِينَ لَهُمْ»&raq;

(پیامبرانی که کمی عدد و بسیاری تکذیب‌کنندگان، آنان را از انجام دادن هدف بازداشت). نهج البلاغه ، خطبه ۱

پیامبران در رسالت خویش درنماندند و دعوت حق را با صبر و پایداری، به مردم رساندند و هدایت خلق را با همه دشواریهایش پیش بردند.

هر پیامبری که در میان امتی برانگیخته شد، با مخالفت گروهی سرسخت که با او دشمنی می‌کردند روبه رو می شد، به طوری که سخن او را تکذیب می‌نمودند، ولی هیچ یک از این امور، سبب کوتاهی ورزیدن پیامبران در انجام دادن تکلیف خویش نگشت و آنان را از ارشاد مردمان با وجود ناخواهیها، بدانچه مصلحت زندگی این جهانی و زندگی آن جهانی‌شان بود، بازداشت. بلکه هریک از آنان به تنهایی به پا خاست و مردمان را به پذیرفتاری و فرمانبرداری پروردگار دعوت کرد و در مجاهدت با دشمنان دین خدا، متحمل نهایت رنج و سختی شد و با این همه، دعوت خدا را در پرتو عنایت و حکمت الهی در اطراف زمین نشر داد تا اینکه آثار دین، محفوظ و سنتهای الهی پابرجا گردید. امیر مؤمنان علی (ع) درباره صبر و پایداری پیامبر اکرم (ص) در برابر بیشترین سرسختیها، تکذیبها، آزارها و آتش‌افروزیها، و پیشبرد رسالت خویش با وجود آن سختیها، فرموده است:

«وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، دَعَا إِلَى طَاعَتِهِ، وَقَاهَرَ أَعْدَاءَهُ جِهَادًا عَنْ دِينِهِ، لَا يَنْتِيهِ عَنْ ذَلِكَ اجْتِمَاعٌ عَلَى تَكْذِيبِهِ، وَالتَّمَاسُّ لِطَفَاءِ نُورِهِ»&raq;

(گواهی می‌دهم که محمد، بنده و فرستاده اوست. به پذیرفتاری او فرا خواند و دشمنانش را با جهاد برای دفاع از دینش شکست داد. همدستانی‌- کافران - بر دروغگو خواندن او، وی را از دعوت بازنگردانید و کوشش در خاموش ساختن نور وی‌- او را بر جای نشانید‌-).‌

رسول خدا (ص) آن هنگام که بار سنگین رسالت را به دوش گرفت، تا آن زمان که به رفیق اعلا پیوست، در اطاعت حق کوتاهی نکرد، هرگز متزلزل نشد، ثابت و قدم پیش رفت و در هیچ اوضاع و احوالی دست از پایداری نکشید؛ به طوری که این امر از مهم ترین عوامل توفیق وی در به مقصد رساندن رسالت بود.

۵ . مصمّی و اراده ورزی

رسالت سنگین پیام و آوران الهی جز با مصمّی و اراده و ورزی آنان سامان نمی یافته است. آن بندگان ویژه و برگزیده خدا در مأموریت خویش برای هدایت انسانها مصمّم و با اراده عمل کردند؛ امیر مؤمنان علی (ع) درباره این ویژگی شان فرموده است:

؛ لَکِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ رُسُلَهُ أُولَى قُوَّةٍ فِي عَزَائِمِهِمْ؛

(لیکن خدای پاک از هر کاستی، فرستادگان خود را در اراده و مقصدشان نیرومند گردانید).
نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۲

خداوند پیام و آوران خود را با قدرت و مکنّت مادی نفرستاد، بلکه آنان را به نیروی تصمیم و عزم راسخ برای تبلیغ رسالت مجهّز ساخت؛ از همین روست که آنان را اولوالعزم خوانده و اند، زیرا با عزم جزم و کمال قدرت اراده برای برپایی دین خدا عمل کرده اند و در این راه، همه گونه شکپایی و مجاهدت نموده و اند. امام علی (ع) آنگاه که از رسالت پیامبر اکرم (ص) سخن به میان آورده، درباره وی چنین گفته است:

؛ أَرْسَلَهُ ...، فَبَلَغَ رَسَالَاتِ رَبِّهِ غَيْرَ وَاْنٍ وَ لَا مُقَصِّرٍ؛

(او را فرستاد، و او پیامهای پروردگارش را رسانید، بی هیچ و بی گونه سستی و کوتاهی کردنی).
همان ، خطبه ۱۱۶

آنچه پیامبران در ابلاغ رسالت الهی به انجام رساندند، جز در پرتو مصمّی و اراده و ورزی پایدار آنان ممکن نمی شد.